



## شفاعت از دیدگاه عقل و نقل

محسن غرویان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

معنای لغوی و اصطلاحی

شفاعت از ماده شَفَع و در لغت به معنای «جفت شدن» با چیزی است و اصطلاحاً<sup>۱</sup> به معنای واسطه شدن برای دفع ضرر از کسی و یا رساندن منفعتی به اوست که در این واسطه شدن، سه طرف، بایستی وجود داشته باشد:

أ: شفاعت کننده، ب: شفاعت شونده، ج: پذیرنده شفاعت،

در اصطلاح شرعی، شفاعت در آنجا مطرح می‌شود که شخصی در نزد خداوند برای دیگری طلب مغفرت و آمرزش نماید و بخواهد عقابی که در اثر گناه

متوجه شخص گناهکار شده از او برداشته شود و یا تخفیف یابد. در این حال شخص گناهکار، شفاعت شونده و ذات مقدس پروردگار پذیرنده شفاعت خواهد بود. شفاعت به معنای مذکور از مسلمات دین اسلام به شمار می‌رود و در این زمینه علاوه بر آیات متعدد، روایات فراوانی نیز از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.

شاید بتوان گفت که از همه امامان شیعه در این زمینه روایت وارد شده است و اینها همه، هر گونه شك و تردیدی - در زمینه شفاعت - را از بین می‌برند و موجبات یقین را برای حقیقت جویان با انصاف فراهم می‌سازند. اینک به ذکر و ترجمه برخی از آیات و روایات کوتاهی که در این زمینه وجود دارد می‌پردازیم:

#### آیات

۱ - مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ.<sup>۱</sup>

کیست که در نزد خداوند برای دیگری شفاعت کند مگر به اذن او (خدا)؟

۲ - مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ.<sup>۲</sup>

(در قیامت) هیچ شفیع - جز بعد از اذن او (خدا) - شفاعت نمی‌کند.

۳ - يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا.<sup>۳</sup>

در آن روز (قیامت) شفاعت هیچ کس سودی نبخشد جز آن کس که خدای رحمان به او

رخصت شفاعت داده و سخنش را بپسندد.

۴ - لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا.<sup>۴</sup>

(در قیامت) هیچ کس مالک شفاعت نیست مگر کسی که (به پرستش حق) از خدای

مهربان، عهد (نامه توحید کامل) دریافت کرده باشد.

۵ - وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ.<sup>۵</sup>

.....

۳ - سورة يونس (۱۰): ۳.

۴ - سورة طه (۲۰): ۱۰۹.

۵ - سورة مريم (۱۹): ۸۷.

۶ - سورة انبياء (۲۱): ۲۸.

۱ - علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب شفاعت در

قرآن و حدیث تألیف استاد عالیقدر آقای رضا

استادی مراجعه فرمایند.

۲ - سورة بقره (۲): ۲۵۵.

آنان (مقربان درگاه الهی) از احدی جز آن کس که خدا از او راضی است شفاعت نمی‌کنند و دائماً از خوف قهر خدا هراسانند.

### روایات

گفتیم که در باره شفاعت، هم از طریق اهل سنت احادیثی وارد شده و هم از طریق شیعه اخبار فراوانی به دست ما رسیده است.

### اخبار شیعه<sup>۷</sup>

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ فَيُشَفَّعُونَ<sup>۸</sup>. الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ<sup>۹</sup>.

سه گروهند که در نزد خداوند برای گنهکاران شفاعت می‌کنند و شفاعتشان مورد قبول واقع می‌شود: انبیاء، علمای دین و شهدا

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي<sup>۱۰</sup>.

شفاعت من فقط برای کسانی از امتم می‌باشد که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند.

۳ - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَنَا شَفَاعَةٌ وَ لِأَهْلِ مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةٌ<sup>۱۱</sup>.

امیرالمؤمنین (ع) (در ضمن حدیثی) فرمودند: برای ما و دوستانمان حق شفاعت است.

۴ - قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجُ وَالْمَسْأَلَةُ

فِي الْقَبْرِ وَ الشَّفَاعَةُ<sup>۱۲</sup>.

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست: معراج پیامبر،

پرتال جامع علوم انسانی

۷ - رك: بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۹ - ۶۳.

۸ - «يُشَفَّعُونَ» صيغة مجهول از باب تفعیل (تشفیع) است و به معنای قبول شدن و پذیرفته شدن شفاعت می‌باشد. (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶: مجمع البحرين، ج ۴، باب شفع).

۹ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۴.

۱۰ - همان.

۱۱ - خصال صدوق، ص ۶۲۴.

۱۲ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۷.

سؤال در قبر و مسئله شفاعت.

۵- قال الصادق(ع): نُمَجِّدُ رَبَّنَا وَنُصَلِّي عَلَى نَبِيِّنَا وَنَشْفَعُ لِشِيعَتِنَا فَلَا يَرُدُّنَا رَبُّنَا.<sup>۱۳</sup>

امام صادق(ع) فرمود: ما پروردگار را تمجید می کنیم و بر پیامبرمان درود و سلام می فرستیم، و برای شیعیانمان شفاعت می کنیم، و خداوند نیز در خواست ما را رد نمی کند.

۶- قال الكاظم(ع): شِيعَتُنَا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَحْجُونَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ، وَيَصُومُونَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَيُؤَلِّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَتَبَرَّوْنَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ... وَإِنْ أَحَدُهُمْ لَيَشْفَعُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ فَيُشَفِّعَهُ اللَّهُ فِيهِمْ لِكِرَامَتِهِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.<sup>۱۴</sup>

امام کاظم علیه السلام فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که نماز را به پا می دارند، زکات می دهند، به زیارت کعبه می روند، در ماه رمضان روزه می گیرند، دوستدار اهل بیت عصمتند و از دشمنان اهل بیت بیزاری می جویند... و يك فرد از شیعیان ما می تواند در حق طوایفی همچون ربیع و مضر شفاعت کند و خداوند شفاعت او را در حق آنها - به خاطر کرامت و بزرگواری خود - می پذیرد.

۷- قَالَ الرَّضَاءُ(ع): مَنْ كَذَّبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَمْ تَنْلَهُ.<sup>۱۵</sup>

هر که شفاعت رسول خدا(ص) را تکذیب نماید مشمول آن نخواهد شد. در زیارت جامعه نیز که از امام دهم علیه السلام روایت شده است، زائر، خطاب به امامان معصوم (ع) گوید:

وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ... .

(ای پیشوایان پاک و معصوم) شمايید که محبت و دوستی تان بر ما واجب است، و شمايید صاحبان مراتب بلند و درجات رفیع و مقامهای شایسته و منصبهای ستوده، شمايید که در بارگاه خداوندی جایگاه خاص و مقام عظیم و شخصیتی بس والا دارید و شفاعت در حق گنهکاران

.....

۱۳ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۴۱؛ فضائل الشیعه، صدوق، ص ۱۵۹، حدیث ۴۵.

۱۴ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۵۹.

۱۵ - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۶.

نیز از آن شماسست.<sup>۱۶</sup>

### اخبار اهل سنت

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): شَفَاعَتِي نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مَنْ مَاتَ [و] لَا يَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا.<sup>۱۷</sup>  
از شفاعت من - اگر خداوند بخواهد - آن کس برخوردار خواهد شد که به هنگام مرگ هیچ گونه شائبه شرکی نسبت به خداوند در دلش نباشد.

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَوْلُهُ تَعَالَى: عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا.<sup>۱۸</sup> هُوَ الْمَقَامُ الَّذِي أَشْفَعُ لِأُمَّتِي فِيهِ.<sup>۱۹</sup>

منظور از «مقام محمود» در آنجا که خداوند می فرماید: «امید است خداوند تو را برای مقام محمود برگزیند» مقامی است که من در آن برای امتم شفاعت می کنم.

۳ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي.<sup>۲۰</sup>

همانا شفاعت من در روز قیامت برای مرتکبین به گناهان کبیره است از امتم.

۴ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَشْفَعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَدَدَ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ وَ مَدْرَةٍ.<sup>۲۱</sup>

من امید دارم که در روز قیامت (از گناهکاران و دوزخیان) به عدد آنچه از درخت و کلوخ در روی زمین است، شفاعت کنم.

۵ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.<sup>۲۲</sup>

در روز قیامت نخست انبیا، پس از آن علما و سپس شهدا گناهکاران را شفاعت می کنند. با توجه به آیات متعدد قرآنی و روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت در زمینه شفاعت وجود دارد، انکار و تشکیک در آن هرگز برای اهل تحقیق و انصاف ممکن نیست.

۱۶ - مأخذ غالب روایاتی که در این بخش ذکر شده کتاب «شفاعت در قرآن و حدیث» نوشته استاد محترم آقای رضا استادی است.

۱۷ - مسند احمد، ج ۲، ص ۴۲۶.

۱۸ - از آیه ۷۹ سوره اسراء.

۱۹ - مسند احمد، ج ۲، ص ۵۲۸.

۲۰ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

۲۱ - مسند احمد، ج ۵، ص ۳۴۷.

۲۲ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

## جمع بندی روایات

روایاتی که در اینجا آوردیم تعداد کمی از روایات متعددی است که در باره شفاعت به معنای گسترده آن به ما رسیده است. در اینجا برای رعایت اختصار از نقل بقیه آنها - که در کتب روایی آمده است - خود داری می‌کنیم و با يك جمع بندی جامع از مجموع روایات، معانی گوناگون و اصطلاحی شفاعت در لسان شرع را بیان می‌کنیم.

به طور کلی می‌توان این روایات را به سه دسته تقسیم نمود:

دسته اول: روایاتی است که شفاعت را به پیامبر اسلام (ص)، اهل بیت ایشان، مؤمنین و یا گروههای خاص دیگر مثل انبیا، علما و شهدا اختصاص می‌دهند و در بعضی روایات آمده است که همسایه نیز در باره همسایه خود می‌تواند شفاعت کند.<sup>۲۳</sup>

دسته دوم: روایاتی است که شفاعت را به بعضی اعمال نسبت می‌دهند. به عنوان مثال در روایتی شفاعت به «امانت داری» نسبت داده شده است.<sup>۲۴</sup>

دسته سوم: روایاتی است که مفادشان این است که همه مردم (ظاهراً بدون استثنا) در قیامت نیازمند شفاعت پیامبر اکرم (ص) می‌باشند.<sup>۲۵</sup>

اگر بخواهیم معنای عام و جامعی برای شفاعت با توجه به گونه‌های مختلف آن ارائه دهیم، بهتر این است که بگوییم:

شفاعت همان واسطه شدن در درگاه الهی است. و این گروهها - اشخاص و یا افعالی که در روایات به عنوان شفیع مطرح شده‌اند - هر يك به نوبه خود مجرای از مجاری فیض باریتعالی هستند و وسائط لطف و رحمت خداوندی به شمار می‌روند. یعنی همانگونه که هر يك از فیوضات الهی سبب و مجرای خاصی دارد، فیض شفاعت نیز سبب و کانال خاصی دارد.

.....

۲۳ - به کتاب بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۴ - ۴۰ (حدیث ۱ - ۲۱) و ص ۴۲ (حدیث ۳۵) مراجعه شود.

۲۴ - بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۳ (حدیث ۳۹).

۲۵ - همان، ص ۴۸، (حدیث ۵۱)، ص ۴۲ (حدیث ۳۱) و ص ۳۸ (حدیث ۱۰).

## توضیح مطلب

اگر چه ما سراسر وجود و هستی مان از آن خداست و در هر لحظه غرق در دریای فیض خداوندی هستیم، اما برخی فیوضات خاص الهی نیز وجود دارد که شامل حال همه افراد نمی شود؛ بلکه متوقف بر يك سری افعال اختیاری است که هر کس موفق به انجام این افعال گردد از آن فیوضات بهره مند خواهد شد. خود این فیضها نیز با توجه به تفاوت و اختلافی که بین این افعال - به عنوان اسباب تحصیل آن فیضها - وجود دارد مختلف می شوند، به گونه ای که فیض خاصی که از راه انجام يك فعل معین عاید انسان می شود با فیض خاص عمل دیگر، تفاوت داشته و این دو قابل جانشینی و تبدیل نیستند. به عنوان مثال، فیض و ثوابی که از راه صدقه به انسان می رسد ممکن نیست از راه دیگر تحصیل شود و در کنار آن هر يك از اعمال نیک و صالح دیگر نیز سبب برای فیض خاصی هستند که این فیضهای خاص جز از راه انجام فعل اختیاری خاص خودشان، حاصل نمی شوند. بر این اساس می توان گفت حتی ملائکه الهی نیز که موجوداتی تام التجرد بوده و جمیع کمالات ممکنه نوع خود را بالفعل دارا هستند، از آنجا که در کارهای خود، مختار نیستند نمی توانند لذت خاصی را که از راه انجام يك فعل اختیاری برای ما قابل درک است، ادراک نمایند.

هدف از این توضیحات این است که بگوییم: شفاعت نیز همچون سایر فیوضات حق تعالی، سبب و مجرای خاصی دارد، و اگر این سبب فراهم نباشد هرگز این فیض به کسی نخواهد رسید، و این اسباب نیز جز از راه افعال اختیاری، قابل تحصیل نیست.

## پاسخ دو سؤال

حال با توجه به مطالب مذکور پاسخ دو شبهه از شبهاتی که در زمینه شفاعت مطرح شده است روشن می شود. از آنجا که پاسخ این دو شبهه ارتباط مستقیم با مطالب مذکور دارد، لذا این دو شبهه را در همین جا طرح کرده پاسخ می دهیم، و پاسخ



شبهات دیگر را در جای خود بیان خواهیم کرد:

\* سؤال اول: آیا شفاعت به معنای تحت تأثیر قرار گرفتن خداوند در برابر دیگری (شفیع) نیست؟ چرا که اگر بگوییم در مسئله شفاعت مؤثر حقیقی تنها و تنها خداست، بنابراین درخواست شفیع هیچ اثری نداشته به طور کلی شفاعت بی معناست. و اگر بگوییم دیگری نیز در افاضه این فیض الهی از ناحیه خداوند مؤثر است مستلزم تأثر و انفعال خداوند است!

\* سؤال دوم: آیا شفاعتِ شفیع برای رفع عقاب از کسی که مستحق عقاب است و پذیرش این شفاعت از جانب خداوند، به این معنا نیست که رحمت و لطف و مهربانی شفیع، بیشتر و بالاتر از رحمت و لطف خداوند است؟

پاسخ سؤال اول

با توجه به اینکه شفاعت نیز فیضی از فیوضات خداوندی است، بنابراین روشن است که منشأ اصلی و حقیقی این فیض، شفیع نیست؛ گرچه او منحصرأً به عنوان گذرگاه و مجرای رسیدن این فیض خاص الهی به انسان مدخلیت دارد. یعنی فیض شفاعت فقط از آن خداست، اما خود آن نیز مجاری خاصی مانند پیامبران، ائمه، شهدا، علما و... را برای رسیدن این فیض به بندگان تعیین نموده است که جز از این مجاری، این فیض قابل تحصیل نیست. بنابراین در عین حالی که این وسائط در شفاعت مؤثرند، هرگز این مطلب به معنای متأثر شدن و انفعال پذیری خداوند نیست.

پاسخ سؤال دوم

از پاسخ سؤال قبلی جواب این پرسش نیز روشن می شود. یعنی وقتی معلوم شد که فیض و رحمت، تنها از ناحیه خداست و این شفاعت و وسائط فقط نقش مجرا و واسطه دارند، بنابراین هرگز چنین نیست که رحمت و مهربانی شفیع بیشتر از خداوند باشد، بلکه این رحمت بی منتهای اوست که باعث شده بابتی به نام شفاعت به عنوان آخرین مرحله بهره‌مندی از فیض الهی گشوده شود تا از این طریق نیز



افرادی مشمول فیض و رحمت او واقع گردند.

### شرایط شفاعت

گر چه مسئله شفاعت - چنانکه گفته شد - از اصول مسلم و قطعی اسلام است، اما تابع شرایط و مقتضیات ویژه‌ای است. از لابلای مباحث گذشته تا حدودی می‌توان این شرایط را به دست آورد، اما اینک بجاست که این شرایط را به صورت زیر خلاصه کنیم:

\* ۱ - اذن الهی: چنانکه در بسیاری از آیات قرآن کریم مشاهده نمودیم یکی از شرایط اصلی و اساسی شفاعت این است که با اذن الهی باشد. بنابراین چنین نیست که هر کس بتواند در مورد هر کس که می‌خواهد شفاعت کند.

\* ۲ - رضایت خدا نسبت به شفیع: گذشته از اینکه اصل شفاعت بایستی با اذن الهی باشد، شخص شفیع نیز بایستی از کسانی باشد که خداوند نسبت به شفاعت از سوی آنان رضایت دارد.<sup>۲۶</sup> با توجه به این شرط نمی‌توان از هر کس توقع شفاعت داشت و نیز هر کسی نمی‌تواند مدعی حق شفاعت شود.

\* ۳ - رضایت خدا نسبت به فرد مورد شفاعت: در مسئله شفاعت، رضایت خداوند نسبت به شفاعت شوندگان نیز شرط است. یعنی چنین نیست که فیض شفاعت بدون استثنا شامل حال همه بشود، بلکه چنانکه اشاره شد - اسباب و ملاک خاصی دارد که هر کس این ملاک را تحصیل کرده باشد مشمول شفاعت شفاعت کنندگان قرار می‌گیرد و در غیر این صورت از این فیض محروم خواهد ماند. با توجه به آیات و روایات این باب می‌توان بعضی از شرایطی را که بایستی

.....

۲۶ - آیات شفاعت که سابقاً ذکر شد ملاحظه شود.

شفاعت شونندگان داشته باشند تا خداوند نسبت به شفاعت در حق آنان راضی باشد، به دست آورد، مانند: ایمان، اقامه نماز، پرداخت زکات و اعتقاد به معاد که از آیات زیر به دست می‌آید:

فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ \* وَ لَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ \* وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ \* وَ كُنَّا نُكذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ \* حَتَّى آتَانَا الْيَقِينَ \* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ.<sup>۲۷</sup>

بهشتیان از مجرمین سؤال می‌کنند: چه کردید که اینک گرفتار عذاب دوزخ شدید؟ دوزخیان پاسخ می‌دهند: ما از نمازگزاران نبودیم، و با پرداخت زکات دستگیری از مسکینان نمی‌کردیم، و همواره عمر خویش را با اهل باطل به بطالت می‌گذرانیدیم، و روز جزا و قیامت را دروغ می‌پنداشتیم، تا اینکه ناگاه مرگ گریبان ما را گرفت و برایمان یقین حاصل شد. (اما اینان باید بدانند که) با این وضع، شفاعت شافعان در روز رستاخیز هرگز شامل حال آنها نمی‌شود.

به طور کلی بایستی سنخیتی بین شفاعت کنندگان و شفاعت شونندگان وجود داشته باشد تا شفاعت مؤثر افتد. اما اگر زنگارهای سیاهی و پلیدی و گناه آنقدر زیاد باشد که به طور کلی سنخیت بین دو گروه از بین رفته باشد، شفاعت هیچ اثری نخواهد داشت.

مَدْعِيَانِ دَرُوغِيْنَ شَفَاعَتِ

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی

قرآن کریم از دو گروه نام می‌برد که اینان در شفاعت، اذن و رضایت خداوند را شرط نمی‌دانستند و لذا به دلخواه خویش شفیعیانی برای خود برگزیده بودند که سرانجام يك گروه سر از بت پرستی در آوردند و گروه دیگر به نژادپرستی کشیده شدند.

.....

۲۷ - سورة مدثر (۷۴): ۲۰ - ۲۸.

گروه اول مشرکینی بودند که می گفتند: چون ما به خدا دسترسی نداریم لذا بتهایی را ساخته، می پرستیم تا نزد خداوند برای ما شفاعت کنند و اسباب تقرّب و نزدیکی ما در آستان او باشند. این مطلب از آیات زیر استفاده می شود:

۱ - وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ... ۲۸

بت پرستان و مشرکان جاهل به جای خداوند، بت های (سنگی و چوبی و...) را که هیچ نفع و ضرری به حال آنها ندارند به عبادت و پرستش می گیرند و می گویند: اینها شفیعان ما در نزد خداوند.

۲ - وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى... ۲۹

و آنها که غیر خدا را (همچون بتها) به دوستی و پرستش گرفتند (می گویند): ما این بتها را نمی پرستیم جز برای آنکه اسباب قرب و منزلت ما را در نزد خداوند فراهم سازند.

قرآن کریم در برابر این گروه با قاطعیت هر چه تمامتر ایستاده می فرماید:

۱ - وَ مَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاتِكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ، لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ. ۳۰

(خداوند در روز قیامت به اینان می فرماید:) اینک (چگونه است که) همراه با شما، آنها را که شفیع خویش می پنداشتید نمی بینیم؟ (بدانید که) همه نابود شدند و میان شما با آنها جدایی افتاد و آنچه که به گمان خویش می پنداشتید گم شد و از دستتان رفت.

۲ - ... قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ. ۳۱

(ای رسول ما به این مدعیان دروغین شفاعت) بگو: آیا شما با این ادعای خویش می خواهید خدا را به چیزی خبر دهید که هرگز - نه در آسمانها و نه در زمین - بدان علم ندارد؟ خداوند منزّه و فراتر است از آنچه اینان شریک او قرار می دهند.

گروه دوم یهودیانی بودند که خود را فرزندان انبیای بنی اسرائیل دانسته، از

.....

۲۹ - سوره زمر (۳۹): ۳.  
۳۱ - سوره یونس (۱۰): ۱۸.

۲۸ - سوره یونس (۱۰): ۱۸.  
۳۰ - سوره انعام (۶): ۹۴.

این جهت يك نوع برتری نژادی برای خود قائل بودند و می گفتند: خداوند به خاطر این برتری نژادی، ما را دوست دارد و لذا ما جز آیام معدود و اندکی، عذاب نخواهیم شد:

و قالوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَّعْدُودَةً... ۳۳

و یهود گفتند که هرگز خداوند ما را در آتش عذاب نخواهد کرد مگر چند روزی اندک و معدود (که به پندار آنها هفت یا چهل روز بود).

به خاطر همین پندار غلط و توهم نابجای یهود - که قائل به برتری نژادی خویش و بهره مندی از شفاعت شفیعان ساختگی خویش بودند - خداوند خطاب به آنان می فرماید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ. ۳۳

ای قوم بنی اسرائیل... بترسید از روزی که هر کس جزای عمل خویش را ببندد و احدی را به جای دیگری مجازات نکنند و از هیچ کس فدیه پذیرفته نشود و شفاعت کسی (که شما می پندارید) سودمند نباشد و کسی را یآوری نیست.

با توجه به آیات متعدد دیگری که در زمینه شفاعت وجود دارد - و ماقبلًا متذکر بعضی از آنها شدیم - روشن است که مراد از نفی شفاعت در آیه فوق به طور مطلق نیست، بلکه منظور رد کردن شفاعت شفیعان دروغینی است که قوم یهود به دروغ برای خود در نظر گرفته بودند.

قرآن کریم علاوه بر این آیه در آیات متعدد دیگری با بیانات گوناگون این ادعای کاذب یهودیان را مردود دانسته است:

... قُلْ اتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. ۳۳

( ای پیامبر) به اینان بگو: آیا شما بر این ادعاهای دروغین خویش عهد و پیمانی از خدا گرفته اید که در آن عهد، هرگز خداوند تخلف نکند؟ یا چیزهایی را که (به خیال خویش درست کرده اید و) هرگز بدان علم ندارید به خداوند نسبت می دهید؟

.....

۳۲ - سوره بقره (۲): ۸۰. ۳۳ - سوره بقره (۲): ۱۲۲ - ۱۲۳. ۳۴ - سوره بقره (۲): ۸۰.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ.<sup>۳۵</sup>

بگو: ای یهودیان، اگر می‌بندارید که تنها شما دوستدار و محبوب خدایید و نه دیگر مردم، پس اگر راستگویید آرزوی مرگ کنید و (ما می‌دانیم که) اینان به سبب کردارهای زشتی که به دست خویش مرتکب شده و پیش فرستاده‌اند هرگز چنین آرزویی نخواهند کرد و خداوند به کرده ستمکاران آگاه است.

### تحلیل معانی سه گانه شفاعت

در بحث‌های گذشته گفتیم با توجه به روایات و آیات متعددی که در باره شفاعت وجود دارد، مسئله شفاعت به سه شکل مطرح شده است: ۱- شفاعت گروهها و افراد خاص؛ ۲- شفاعت بعضی اعمال؛ ۳- شفاعت پیامبر که همه بدان محتاجند. اینک بجاست که پس از توضیح هر یک از معانی، ببینیم کدام یک از این معانی سه گانه، مورد بحث ماست تا از این طریق زمینه برای پاسخگویی به بعضی از شبهات دیگری که در زمینه شفاعت مطرح گردیده فراهم شود.

معنای اول: گفتیم که بر اساس آیات و روایات، گروههای خاصی، که خداوند به شفاعت از سوی آنان رضایت می‌دهد، در قیامت - برای آنها که به قدر کافی از اعمال نیک و شایسته برخوردار نیستند تا بتوانند از عذاب الهی رها گردند ولی تا حدودی سنخیت و تناسب با سعادت‌مندان را دارا هستند - در نزد خداوند شفاعت کرده و آنها را از عذاب دوزخ می‌رهانند. روشن است که شفاعت به این معنا، عام و همگانی نیست و شامل دو دسته نمی‌شود: یکی آنها که خود به قدر کافی برخوردار از اعمال نیک و شایسته‌اند و راه، برای ورود در بهشت و نجات از آتش، خود به خود بر ایشان گشوده است؛ و دسته دیگر آنها که گنهارند اما دارای شرایط و ویژگیهایی که برای شفاعت شوندگان ذکر کردیم نیستند و سنخیتی بین

.....  
۳۵ - سوره جمعه (۶۲): ۶ - ۷.

آنها و شفاعت کنندگان و سعادت‌مندان وجود ندارد.<sup>۳۶</sup>

معنای دوم: در بعضی از روایات، شفاعت به اعمال خاصی نسبت داده شده است، مانند «رحم و امانت داری»، «طاعة الله»، «توبه» و ...، یا به چیزهایی مثل «قرآن».<sup>۳۷</sup>

با توجه به معنای عام شفاعت - یعنی واسطه و سبب برای بهره‌گیری از فیض الهی - شاید بتوان گفت: از آنجا که کلیه اعمال نیک که تحت عنوان «طاعة الله» قرار دارند، اسباب تحصیل و بهره‌مندی از فیوضات الهی هستند لذا در بعضی روایات در مورد آنها نیز صفت شفیع به کار رفته و شفاعت به آنها نسبت داده شده است، و یا از آن جهت که این گونه اعمال نیک از شرایط تحصیل سنخیت و تناسب با شفیعان واقعی در روز رستاخیز است، در مورد آنها نیز صفت شفیع به کار رفته و شفاعت به آنها نیز نسبت داده شده است.<sup>۳۸</sup>

معنای سوم: در بعضی روایات يك نوع شفاعت عام و همگانی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است و مفاد اینگونه روایات این است که هیچ کس در قیامت از آن بی نیاز نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید:

وَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَحْتَاجُ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ (ص) يَوْمَئِذٍ...<sup>۳۹</sup>

در روز رستاخیز کسی نیست جز اینکه به شفاعت حضرت محمد (ص) نیازمند است.

در توجیه و تحلیل این معنا از شفاعت به دو بیان می‌توان سخن گفت:

بیان اول: ممکن است بگوییم منظور از این روایات این است که شفاعت هر شفיעی در روز قیامت اگر بخواهد مقبول در گاه خداوند قرار گیرد بایستی در طول

۳۶ - این معنای شفاعت مورد قبول همه - حتی وهابیهها - است، بجز معتزله که بدان معتقد نیستند. و این معنا همان مفاد حدیث شریف پیامبر (ص) است که می‌فرماید «إِدْخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۴).

۳۷ - وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ وَشَفِيعٌ... وَأَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ. (نهج البلاغه فیض السلام، خطبه ۱۷۵، ص ۵۶۷).

۳۸ - شاید مراد از شفاعت علما در حق شاگردان خویش نیز همین معنا باشد، یعنی: چون علما واسطه فیض‌اند لذا شفاعت به همین معنا به آنها نسبت داده شده است.

۳۹ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۴۸ (حدیث ۵۱).

شفاعت پیامبر اسلام(ص) باشد و با اذن و اجازه حضرتش صورت پذیرد. مؤید این بیان روایات متعددی است که می‌گویند در روز محشر همه انبیای اولوالعزم الهی(ع) رسول اکرم(ص) را به عنوان شفیع به اهل محشر معرفی می‌کنند.<sup>۲۰</sup> با توجه به بیان مذکور:

اولاً - دو گروهی که مشمول شفاعت به معنای اول نبودند مشمول شفاعت به این معنا نیز نخواهند بود؛ یعنی گروهی که خود به قدر کافی دارای عمل شایسته‌اند و همچنین افرادی که گناهکارند و با اهل سعادت و اهل شفاعت سنخیت و تناسب لازم را ندارند.

ثانیاً - این روایات هرگز شفاعت از سوی دیگران را نفی نمی‌کند. چرا که در روایات فراوان دیگری به گروهها و اشخاص دیگر نیز شفاعت نسبت داده شده است، بلکه مفاد این روایات این خواهد بود که دیگران نمی‌توانند بدون درخواست رسول اکرم(ص) مستقلاً شفاعت کنند.<sup>۲۱</sup> نه اینکه به هیچ وجه حق شفاعت نداشته باشند.

بیان دوم: ممکن است گفته شود که منظور از این نوع شفاعت يك معنای خاص و يك فیض عام و همگانی ویژه است که شامل حال همه اهل محشر خواهد شد و البته خود خداوند، نبی اکرم(ص) را که عظیم‌ترین مظهر صفات الهی و کاملترین مجلای تجلی نور خداوندی در عالم هستی است به عنوان مجرای این فیض عظمای خویش برگزیده است تا از این طریق همگان (اعم از گنهکار و بی گناه) از آن بهره‌مند گردند و در نتیجه، درجات عالی‌ه اهل سعادت عالی‌تر گردد، و عذاب و سختی و رنج گنهکاران و دوزخیان، تخفیف یابد.<sup>۲۲</sup>

اکنون پس از توضیح معانی سه گانه شفاعت یاد آور می‌شویم که شفاعت مورد بحث ما شفاعت به معنای اول بوده و همین است که کم و بیش مورد اتفاق

.....

۲۰ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۵ (حدیث ۷)، ص ۴۵ (حدیث ۴۶) و ص ۴۷ (حدیث ۴۸).

۲۱ - خواست پیامبر(ص) در واقع خواست خداوند است.

۲۲ - این تذکر لازم است که ما هرگز مدعی صراحت این روایات در معانی یاد شده نیستیم و صرفاً می‌گوییم ممکن است که این معانی از این روایات استظهار شود.



واقع شده است. لذا در پاسخ شبهاتی که ذیلاً طرح می‌شود به این نکته توجه شده است.

### شبهات

با آنکه مسئله شفاعت بر اساس آیات و روایات متعدد از اصول مسلم و قطعی اسلام به شمار می‌رود، مع الوصف عده‌ای - حتی بعضی از مفسر نمایان در میان خود مسلمین نیز - از پذیرش آن سر باز زده، این اصل را انکار می‌کنند. عده‌ای مسئله شفاعت را بخوبی درک نکرده و یا واژگونه فهمیده‌اند، و لذا آن را رمز عقب افتادگی و انحطاط مسلمین در جهان امروز دانسته‌اند.

توجه به اشکالاتی که از ناحیه منکرین مسئله شفاعت طرح شده، گواه بر این است که اینان بخوبی نتوانسته‌اند مسئله شفاعت را درک نمایند و با برداشت غلط و توهّمات بیجا، این اشکالات را طرح نموده‌اند. اینک ما تعدادی از این شبهات را در اینجا طرح کرده و با توجه به مباحث گذشته پاسخ آنها را خواهیم داد.<sup>۴۳</sup>

\* سؤال سوم: با توجه به اینکه شفاعت در قیامت شامل حال همه مجرمین نمی‌شود، آیا این به معنای تبعیض و بی‌عدالتی و به اصطلاح «پارتی بازی» نیست؟  
پاسخ: بی‌عدالتی و تبعیض در آنجا صدق می‌کند که چیزی بناحق به کسی داده و یا از او گرفته شود یعنی تنها چند فرد خاص و معدود از میان يك گروه که همگی دارای شرایط و امتیازات مساوی هستند برگزیده شده و از نعمتی برخوردار گردند و دیگران از آن محروم شوند.  
با توجه به توضیحات گذشته در مورد شفاعت، روشن است که شفاعت نیز همچون دیگر امتیازات الهی سبب و راه تحصیل خاصی دارد و جز به کسانی که این اسباب را فراهم کرده باشند تعلق نخواهد گرفت. بایستی شرایطی که برای بهره‌مندی از شفاعت بیان شد در کسی وجود داشته باشد تا مشمول این لطف الهی

.....  
۴۳ - قبلاً دو شبهه از این شبهات را طرح کرده و پاسخ گفتیم.

قرار گیرد، و هرگز چنین نیست که روابط خویشاوندی و نسبت‌های فامیلی و... ملاک استفاده از این امتیاز باشد تا در این صورت تبعیض و بی عدالتی واقع شود. قرآن کریم داستان حضرت نوح(ع) و پسر ناصالح او را نقل کرده است که در آن، در خواست حضرت نوح(ع) از خداوند در مورد نجات فرزندش پذیرفته نمی‌شود و پاسخ می‌رسد که:

يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ.<sup>۲۴</sup>

ای نوح او (فرزندت) از خاندان تو نیست، چرا که او دارای اعمالی ناشایسته است. در آیه دهم سوره تحریم در باره همسران دو تن از پیامبران الهی یعنی حضرت نوح و حضرت لوط(ع) نیز می‌خوانیم که هرگز این نسبت و نزدیکی با پیامبران الهی، نفعی به حال آنان نداشته و اهل دوزخ خواهند بود.<sup>۲۵</sup>

در اخبار آمده است که در مجلسی برادر امام هشتم(ع) به نام زید بیش از حد از خاندان رسالت و انتساب خود به آنان دم می‌زد و از این جهت افتخار می‌نمود. امام رضا(ع) که در مجلس حاضر بود بر او اعتراض کرده فرمودند: اگر چنین است که صرفاً به خاطر این نسبت‌های خویشاوندی با خاندان رسالت، معذور باشیم، بنابراین، مقام و مرتبه تو از پدرت (حضرت موسی بن جعفر ع) بیشتر و بالاتر است! چرا که ایشان با زحمتهای و عبادتهای زیاد بود که به مقام قرب الهی نائل گشت و تو به گمان خویش بدون تحمل هیچ گونه رنج و مشقت و صرفاً به خاطر روابط خانوادگی بدان مقام خواهی رسید!

در تاریخ نقل شده است که پس از فتح مکه، پیامبر اسلام(ص) خاندان بنی هاشم را مخاطب قرار داده فرمودند:

به خدا سوگند که از میان شما تنها پرهیزکاران، دوستان منند و بس. سرنوشت هر يك از ما تنها در گرو عمل ماست.<sup>۲۶</sup>

.....

۴۴ - سوره هود (۱۱): ۴۶.

۴۵ - ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ... در مباحث گذشته این آیات به مناسبت ذکر گردید.

۴۶ - الحیة، ج ۲، ص ۲۹۳ (حدیث اول) به نقل از بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۳ از کتاب صفات الشیعه، صدوق(ره).

در هنگام وفات نیز بار دیگر تأکید کرده می‌فرمایند: کسی هرگز ادعا نکند و آرزو نداشته باشد که غیر از عمل صالح چیزی به حالش نفع می‌بخشد. قسم به آنکه مرا به پیامبری بر گزید، نجات نمی‌بخشد مگر عمل توأم با رحمت الهی. من نیز اگر عصیان کرده بودم، سقوط می‌کردم! آیات و روایات مذکور همگی حاکی از این است که در درگاه الهی نسبتها و روابط، هرگز کار سازی ندارد و آنچه ملاک اصلی سعادت و قرب است عمل شایسته می‌باشد.

### شرایط بهره‌گیری از شفاعت از دیدگاه روایات

در مباحث گذشته به شرایط کلی استفاده از فیض شفاعت از دیدگاه قرآن اشاره کردیم و مسائلی مثل ایمان به مبدأ و معاد، بر پا داشتن نماز، پرداختن زکات و...<sup>۲۷</sup> را متذکر شدیم. همچنانکه قرآن کریم در مورد ظلم و ستم نیز می‌فرماید:

... مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ.<sup>۲۸</sup>

ستمگران را هیچ خویش و دوستی که حمایت کند و شفیمی که شفاعتش پذیرفته شود نخواهد بود.

گذشته از این آیات، در روایات نیز به شرایطی اشاره شده است که بجاست در توضیح پاسخ سؤال مذکور آورده شود: امام صادق (ع) می‌فرماید:

لَا يَنَالُ شَفَاعَتُنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ.<sup>۲۹</sup>

آن کس که نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نخواهد رسید.

و امام رضا (ع) فرمودند: مَنْ كَذَّبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ تَنْلَهُ.<sup>۳۰</sup>

هر کس شفاعت پیامبر اسلام (ص) را تکذیب نماید به آن نائل نخواهد شد.

از رسول اکرم (ص) نقل شده است: مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالُهُ شَفَاعَتِي.<sup>۳۱</sup>

هر کس به شفاعت من ایمان نداشته باشد او را بدان نائل نکنم.

.....

۲۷ - رك: سوره‌های مدثر (۷۲): ۲۰ - ۲۸؛ شعراء (۲۶): ۹۱ - ۱۰۱؛ اعراف (۷): ۵۰ - ۵۳.

۲۸ - سوره مؤمن (۴۰): ۱۸.

۲۹ - کافی، ج ۶، ص ۴۰۱ و ج ۳، ص ۲۷۰ و تهذیب ج ۹، ص ۱۰۷.

۳۰ - عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۶۶، از این روایت برای اثبات شفاعت نیز استفاده شد.

۳۱ - امالی صدوق، ص ۵.

در مورد بعضی گناهان بزرگ مثل زنا نیز روایاتی داریم که سبب تأخیر شفاعت می‌شوند:

\* ۱ - امام صادق (ع): **فَوَاللَّهِ مَا يَنْتَالُ شَفَاعَتَنَا إِذَا رَكِبَ هَذَا [یعنی الزنا] حَتَّى يُصِيبَهُ أَلَمُ الْعَذَابِ وَيَرَى هَوْلَ جَهَنَّمَ.**<sup>۵۲</sup>

سوگند به خدا هر که مرتکب این عمل زشت (زنا) گردد هرگز به شفاعت ما نائل نخواهد شد تا اینکه درد ورنج عذاب را بچشد و هولناکی آتش دوزخ را درک کند.

\* ۲ - امام صادق (ع): **لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقْرَبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ مَا شَفَعُوا.**<sup>۵۳</sup>

اگر ملائکه مقرب الهی و انبیا و رسولان آسمانی در حق ناصبی<sup>۵۴</sup> شفاعت کنند باز هم قابل شفاعت نخواهد بود.

\* ۳ - رسول اکرم (ص): **إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ<sup>۵۵</sup> تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفَّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ وَاللَّهِ لَا تَشَفَّعْتُ فِيمَنْ أَذَى ذُرِّيَّتِي.**<sup>۵۶</sup>

وقتی در مقام محمود (یعنی جایگاه شفاعت) قرار گیرم برای کسانی از امت خود که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند شفاعت خواهم کرد و خداوند نیز شفاعت مرا در حق آنان قبول خواهد کرد، و قسم به خدای بزرگ که در حق آنان که فرزندان و خاندان مرا آزار دهند هرگز شفاعت نخواهم کرد.

غرض از تطویل کلام در پاسخ سؤال سوم این است که بار دیگر بر این نکته تأکید و رزمیم که شفاعت هرگز يك امر گزاف و بی حساب نیست و لذا به هیچ وجه نمی‌توان آن را تبعیض و بی عدالتی به حساب آورد.

\* سؤال چهارم: با توجه به اصل مهم توحید، بخصوص با توجه به معانی چهارگانه آن<sup>۵۷</sup> که مؤثر حقیقی در هر امری تنها ذات پاک حق تعالی است، آیا

.....

۵۲ - اصول کافی، ج ۵، ص ۴۶۹، (بخشی از حدیث).

۵۳ - محاسن برقی، ص ۱۸۴.

۵۴ - کسی که دشمن خاندان رسالت و اهل بیت اوست.

۵۵ - اشاره دارد به آیه: **وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا** (اسراء، ۷۹)

۵۶ - امالی صدوق، ص ۱۷۷.

۵۷ - توحید در ذات، صفات، افعال و عبادت.

شفاعت نمودن شفیع و مؤثر بودن او در نجات گنهکاران چگونه می‌تواند با توحید سازگاری داشته باشد؟

پاسخ: در مباحث گذشته گفتیم که شرط نخست در شفاعت، اذن الهی است و از این رو شفاعت هرگز به معنای دخالت استقلال‌ی شفیع و مؤثر بودن او در سرنوشت فرد گنهکار نیست، بلکه شفیع تنها نقش واسطه‌ای را دارد که مجرای رسیدن فیض الهی به افراد گنهکار است و این معنا هرگز با هیچ یک از ابعاد اصل توحید منافات ندارد. البته شفاعتی که مشرکین به بتها نسبت می‌دادند و یا شفاعتی که یهود به دلخواه خویش بدان معتقد شده بودند هرگز با روح توحید سازگار نیست.<sup>۵۸</sup>

\* سؤال پنجم: آیا پذیرش شفاعت موجبات تجرّی مردم در ارتکاب گناه و جسارت ورزیدن در انجام معاصی را فراهم نمی‌سازد، چرا که وقتی مردم، امیدوار به شفاعت شافعان روز قیامت شدند خیالشان از جهت عذاب آسوده گشته از انجام گناهان چندان باکی نخواهند داشت؟

پاسخ: جواب این شبهه معروف را با دوراه حل نقضی و استدلالی می‌توان بیان کرد:

جواب نقضی: اگر این اشکال در مورد شفاعت وارد باشد، در مورد مسائلی همانند «قبول توبه»، «امید به رحمت الهی» و «تکفیر گناهان» و یا سایر اعمال صالحه‌ای که ثوابهای فراوان دارند نیز به صورت شدیدتر وارد خواهد بود چرا که آنها نیز می‌توانند مورد سوء استفاده قرار گیرند و انسان را در ارتکاب گناهان، جسور و بی باک نمایند. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.<sup>۵۹</sup>

(ای پیامبر از جانب من) به آن بندگانم که در ارتکاب گناه و معصیت نسبت به نفس

۵۸ - بنگرید به سوره‌های بقره (۲): ۸۰؛ یونس (۱۰): ۱۸؛ زمر (۳۹): ۳؛ انعام (۶): ۹۴.

۵۹ - سوره زمر (۳۹): ۵۳.

خویش ظلم و اسراف کرده‌اند، بگو: هرگز از رحمت بی منتهای الهی نا امید نباشید. البته خداوند همه گناهان را می‌آمرزد. براستی او آمرزنده و مهربان است.

در این آیه با صراحت هرچه تمامتر، وعده مغفرت و آمرزش به گنهکاران داده شده است و می‌تواند سبب جرأت بر انجام گناهان شود. و یا در آیه دیگر می‌فرماید:

إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ.<sup>۶۰</sup>

اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده‌اید اجتناب کنید از گناهان دیگرتان گذشت خواهیم کرد.

وعده عفوی که در این آیه نیز بدان اشاره شده می‌تواند مورد سوء استفاده واقع شده، انسان را بر ارتکاب جمیع گناهان صغیره جسور نماید. اما باید توجه داشت که هرگز يك آیه را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن آیات دیگر و یا روایاتی که پیرامون آن آیه وارد شده است، تفسیر و معنی کرد، و اگر در تفسیر این آیات، روایات و آیات دیگر نیز مورد ملاحظه قرار گیرند مجالی برای سوء استفاده باقی نخواهد ماند.

جواب حلی و استدلالی: باید دانست و عده عفو و گذشت و آمرزش گناهان وقتی انسان را بر انجام گناه جسور و بی باک می‌سازد که به صورت مطلق و قطعی و بدون هیچ قید و شرطی داده شود. اما اگر مشروط به شرایط و مقید به قیودی گردد که ممکن است همه کس آنها را نداشته باشد، و از طرفی تحصیل آن شرایط نیز چندان آسان و ممکن نباشد، در این صورت چنین وعده‌ای هرگز سبب جرأت بر گناه نخواهد شد. به عنوان مثال درست است که در بعضی آیات، وعده مغفرت و آمرزش به توبه کنندگان داده شده است<sup>۶۱</sup>، اما در اکثر قریب به اتفاق همین آیات، شرایطی برای پذیرش توبه ذکر گردیده است که هیچ گنهکاری نمی‌تواند با قاطعیّت ادّعا کند که آن شرایط را داراست و یا تا پایان عمر آنها را تحصیل خواهد

.....

۶۰ - سوره نساء (۴): ۳۱.

۶۱ - مثل این آیه: وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى. (سوره طه (۲۰): ۸۲).

کرد و با شرایط کامل، قبل از مرگ توبه خواهد نمود! چرا که:  
اولاً: تحصیل آنها چه بسا کار بسیار مشکلی باشد مانند ادا کردن تمام حقوقی که ممکن است از ناحیه مردم به گردن داشته باشد.

ثانیاً: وقوع مرگ هرگز وقت و زمان خاصی ندارد تا انسان خاطرش آسوده باشد که قطعاً قبل از فرا رسیدن مرگ قادر بر تحصیل شرایط و انجام توبه خواهد بود.  
ثالثاً: یکی از شرایط پذیرش توبه، پشیمانی و ندامت واقعی از گناه است. کسی که به امید توبه در آینده نسبت به ارتکاب گناهان و معاصی اقدام می‌کند، چگونه ممکن است قطع داشته باشد که در آینده نسبت به اعمال گذشته‌اش ندامت و پشیمانی حقیقی خواهد داشت؟ و چه بسا به خاطر همین سختی تحصیل شرایط توبه است که در بعضی آیات قرآن کریم نیز مفید بودن توبه و مؤثر واقع شدن آن در سرنوشت انسان گنهکار با بیانی تردید آمیز ذکر شده است.<sup>۶۲</sup>

با توجه به آنچه گفتیم وعده پذیرش توبه حقیقی هرگز نمی‌تواند سبب جرأت بر گناه شود، بلکه توجه به این شرایط سخت و دشوار چه بسا انسان را در لحظه ارتکاب گناه هشدار دهد و متوجه نماید که توبه کردن پس از ارتکاب گناه، چه بسا ممکن نشود. و لذا بهتر این است که اصلاً گناهی واقع نشود تا بعداً نیاز به توبه نباشد.

در مورد تکفیر سیئات نیز همین مطلب بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد. یعنی گذشت و پوشاندن گناهان نیز مشروط به شرایط خاصی است که بدون تحصیل آن شرایط هرگز نبایستی به این عفو و گذشت الهی امید بست و ملاحظه این شرایط هرگز نمی‌تواند راه را برای جرأت پیدا کردن انسان بر گناه باز گذارد.

باید دانست که این بیانات امید بخش و وعده‌های امیدوارکننده، از بهترین شیوه‌های تربیتی اسلام و قرآن است. چرا که اگر انسان گنهکار پس از ارتکاب خطا، خود به زشتی عمل خویش پی ببرد و در اندرون خویش نادم و پشیمان گردد،

.....

۶۲ - نظیر این آیه: فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (سوره قصص (۲۸): ۶۷). کسی که توبه نماید و ایمان آورد و عمل صالح پیشه کند، امید است که از جمله رستگاران محسوب گردد.



اما همه درهای امید و روزنه‌های نجات در پیشگاه الهی را به روی خود بسته ببیند، نتیجه سوء آن بسیار بیشتر و بالاتر از این است که راه توبه و بازگشت را باز ببیند و فرضاً در مواردی بخواهد از آن سوء استفاده نماید. و این به خاطر آن است که اگر یأس و ناامیدی از رحمت الهی بر انسان گنهکاری چیره گردد، دست به هر کار زشت خواهد زد و در صدد بر می‌آید که تا زنده است از لذت‌های مادی و دنیوی استفاده کند و غرائز شهوانی خویش را اشباع نماید و تا آنجا که در توان دارد از فرصت استفاده کند و کام خویش، از جهان برگیرد. از این روست که در روایات اسلامی آمده است که انسان مؤمن همواره در حالتی بین خوف و رجاء قرار دارد. یعنی نه آنچنان است که با ارتکاب خطا و گناه کاملاً قطع امید نماید و مأیوس از رحمت بی‌منت‌های خداوندی شود، بلکه در صدد توبه و جبران بر می‌آید تا بدین وسیله رضایت خداوند را جلب کند، و نه آنچنان به رحمت و لطف او دل می‌بندد که او را از عمل صالح باز دارد و بر ارتکاب گناه جسور و بی‌باک سازد. و از این روست که از طرفی یأس از رحمت خداوندی، و از طرفی ایمنی از مکر الهی، هر دو از گناهان کبیره شمرده شده‌اند.

حال پس از توضیحات بالا باید توجه داشته‌باشیم که شفاعت نیز یکی از رحمت‌های الهی است که خداوند بدین وسیله می‌خواهد بندگان گنهکار خویش را حتی در قیامت و در آخرین لحظات تعیین سرنوشت نیز مأیوس و ناامید نسازد، با این حال چنین نیست که بهره‌مندی از این فیض و رحمت هیچ قید و شرطی نداشته باشد، بلکه همانند دیگر فیوضات، مشروط به شرایط خاصی در همین دنیا است که نه تنها سبب جرأت بر گناه و عصیان نمی‌شوند، بلکه موجب مراقبت و دقت بیشتر انسان در زندگی دنیا می‌شوند. به عنوان مثال یکی از شرایط بهره‌مندی از شفاعت اخروی، ایمان در زندگی دنیوی و حفظ آن تا لحظه مرگ است. بدیهی است که تحصیل ایمان حقیقی و بخصوص حفظ و نگهداری آن تا آخرین دم حیات، نیازمند مراقبت‌ها و دقت‌های فراوان است. حال کسی که به امید شفاعت می‌خواهد مرتکب معاصی صغیره شود آیا قطعاً می‌داند که از ارتکاب این گناهان صغیره و کوچک به گناهان کبیره و بزرگ و در نتیجه به کفر و بی‌ایمانی و یا حداقل شك و تردید در

عقاید کشیده نخواهد شد؟ و در لحظه مرگ، بی ایمان و یا با حالت شك و تردید از دنیا نخواهد رفت؟ گذشته از این، کسی که می‌داند شفاعت فیض و رحمتی است مخصوصِ آخرت، و در آنجاست که شامل حال بعضی از بندگان الهی می‌شود، و از طرفی قطع و یقین دارد که برای گنهکاران و مجرمین، قبل از قیامت یعنی در لحظه مرگ و در عالم برزخ نیز عذابهایی مثل سختی سكرات موت و جان‌کندن، فشار قبر و... در نظر گرفته شده است، چگونه ممکن است صرفاً به خاطر شفاعت احتمالی اخروی، خود را گرفتار این عذابها و سختیهای قبل از قیامت نماید؟ با توجه به مطالب فوق، شفاعت سبب جرأت بر گناه نخواهد شد، بلکه چه بسا امید بهره‌مندی از شفاعت اخروی و توجه به شرایط آن، خود سبب دوری از گناهان بسیار گردد.

\* سؤال ششم: آیا شفاعت با بعضی آیات قرآن مثل آیه وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.<sup>۶۳</sup> منافات ندارد؟ چرا که مفاد آیه این است که سرنوشت انسان تنها در گرو اعمال اوست و مورد شفاعت قرارگرفتن بعضی افراد و نجات یافتن آنها در قیامت، با این منافات خواهد داشت.

پاسخ: اگر در حقیقت معنای شفاعت دقت شود پاسخ این شبهه نیز همانند شبهات دیگر، واضح است؛ چرا که گفتیم شفاعت يك امر گزاف و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه متوقف بر امور و شرایطی است که انسان بایستی در همین جهان آنها را کسب نماید و محتاج مراقبتها و اعمال خاصی است که قبلاً متذکر شدیم. از این رو در واقع باید بگوییم: اگر این شرایط و ویژگیها در کسی وجود داشته باشد، اما بازهم مشمول شفاعت الهی نشود و از عذاب‌رهایی نیابد، اینجاست که قانون لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى مورد ندارد (دقت شود).

\* سؤال هفتم: اصولاً آیات چندی در قرآن کریم داریم که در آنها مسئله شفاعت انکار شده است.<sup>۶۴</sup> بنابراین، مسئله شفاعت با نص صریح این آیات

.....

۶۳ - سوره نجم، (۵۲): ۳۹.

۶۴ - مثل آیات ۴۸، ۱۲۳ و ۲۵۴ سوره بقره که در آیه نخست می‌خوانیم: وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ

منافات دارد.

باسخ: چنانکه سابقاً اشاره کردیم هرگز نمی‌توان آیات قرآن را بدون در نظر گرفتن آیات قبل و بعد و یا بدون ملاحظه آیات دیگر و روایاتی که در رابطه با مفاد آن آیه است تفسیر کرد، و توضیح داد. و هم از این روست که رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

نَزَلَ الْقُرْآنَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا.<sup>۶۵</sup>: بعضی از آیات قرآن بعضی دیگر را (تفسیر و) تصدیق می‌کند.

امیر المؤمنین (ع) نیز در نهج البلاغه می‌فرمایند: ... وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ.<sup>۶۶</sup>

بعضی از آیات بعضی دیگر را بیان می‌کند و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. با توجه به این امر نمی‌توان گفت که بعضی آیات قرآن به طور کلی مسئله شفاعت را رد می‌کنند، چرا که آیات فراوان دیگری که قبلاً بعضی از آنها را ذکر کردیم اصل مسئله شفاعت را - فی الجمله - اثبات می‌کنند، و علاوه بر این دیدیم که از سوی پیشوایان معصوم (ع) نیز که مفسران حقیقی کلام خدایند، روایات فراوانی در مورد شفاعت وارد شده است، تا آنجا که شاید بتوان گفت این روایات به حد تواتر رسیده است.

بنابراین نیاستی این آیات را به طور مطلق تفسیر و معنا کرد، چرا که: اولاً: آیات متعدد دیگری دال بر شفاعت داریم که می‌توانند به عنوان مخصّص و مقید برای این عمومات و اطلاقات قرار گیرند. ثانیاً: آیاتی که ظاهراً نفی شفاعت می‌کنند در مقام نفی شفاعت استقلالی و



شَيْئاً وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ. : بترسید از روزی که در آن هر کسی به جای دیگری مجازات نشود و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نگردد و از کسی عوضی نستانند و کسی یاری و کمک نشود.

۶۵ - قرآن در اسلام، علامه طباطبایی (ره)، ص ۴۵، به نقل از درالمنثور، ج ۲، ص ۸.

۶۶ - نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۳۳.

بدون اذن الهی هستند که امثال قوم یهود و بنی اسرائیل بدان معتقد بودند.<sup>۶۷</sup>

شفیعیان کیانند؟

در مباحث گذشته با توجه به آیات قرآن تا حدودی ویژگیهای کلی کسانی را که در قیامت حق شفاعت دارند به دست آوردیم که کلی‌ترین و اصلی‌ترین این ویژگیها مأذون بودن از ناحیه خداوند و رضایت الهی بر شفاعت آنهاست:

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ.<sup>۶۸</sup>

شفاعت هیچ شفیمی تحقق نیابد مگر بعد از اذن الهی.

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا.<sup>۶۹</sup>

در روز رستاخیز شفاعت هیچ کس سودی نبخشد، جز آنکه خدای رحمان به او اجازه شفاعت داده و سخنش مورد پسند او گردیده است.

در آیه زیر یکی از صفات کلی شفیع شاهد بالحق<sup>۷۰</sup> بودن ذکر شده است:

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ<sup>۷۱</sup>

آنان که غیر خدای یکتا را به خدایی می‌خوانند، قادر بر شفاعت کسی نیستند مگر کسانی که از روی علم به حق شهادت دهند.

برای اینکه مصادیق واقعی مفاد این آیات الهی یعنی شفعی حقیقی را بشناسیم ناچار بایستی به روایات مراجعه کرده ببینیم مفسران واقعی آیات قرآن در این زمینه چه می‌فرمایند. در یک بررسی سطحی از روایات، بخوبی روشن می‌شود که بدون شك پیشوایان معصوم (ع) از مصادیق بارز و روشن شفعی روز رستاخیز می‌باشند. در برخی از روایات گذشته که در آنها امام معصوم (ع) شفاعت را به

.....

۶۷ - به تفسیر المیزان ج ۱، ص ۱۶۷ مراجعه شود.

۶۸ - سوره یونس (۱۰): ۳.

۶۹ - سوره طه (۲۰): ۱۰۹.

۷۰ - مرحوم علامه طباطبایی (قده) می‌فرمایند که مراد از «شهادت به حق» اعتراف به توحید خداوند است (المیزان، ج ۱۸، ص ۱۲۷).

۷۱ - سوره زخرف (۴۳): ۸۶.

صورت جمع به خودشان نسبت می‌دهند و با تعابیر لَنَا شَفَاعَةٌ وَ نَشْفَعُ به این مطالب اشاره دارند و نیز در زیارت جامعه به این مسئله اشاره شده بود.

در باره شفاعت نمودن رسول اکرم (ص) نیز روایاتی ذکر گردید. علاوه بر اینکه گفته شده است بعضی آیات قرآن کریم نیز مانند آیه ۷۹ سوره اسراء<sup>۷۲</sup> - که قبلاً بدان اشاره شد - و آیه ۵ سوره ضحی<sup>۷۳</sup> ناظر به مقام شفاعت پیامبر اسلام (ص) هستند. و در مورد شفاعت کردن اهل بیت پیامبر اکرم (ص) از خود آن حضرت روایت شده است که فرموده‌اند:

... وَ يَشْفَعُ أَهْلُ بَيْتِي فَيُشَفَّعُونَ...<sup>۷۴</sup>

(در قیامت) اهل بیت من شفاعت خواهند کرد و شفاعتشان هم مقبول درگاه خداوند خواهد بود.

به طور کلی با توجه به آیات و روایات می‌توان گفت غیر از انسانها، فرشتگان، و از میان انسانها، افرادی همچون انبیاء الهی، علما، شهدا و مؤمنین در قیامت حق شفاعت دارند.<sup>۷۵</sup>

در مورد شفاعت قرآن کریم نیز روایاتی نقل شده است.<sup>۷۶</sup> اما گفتیم که ظاهراً این شفاعت غیر از شفاعت اصطلاحی است که مورد بحث ماست، و به معنای هدایتگری و سببیت برای نجات و فلاح است و به همین معناست که شفاعت به اموری مثل توبه، طاعة الله و... نیز نسبت داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۷۲ - وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.

۷۳ - وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ.

۷۴ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۷۵ - در بحثهای گذشته به برخی آیات و روایات - در این باره - اشاره شد.

۷۶ - پیامبر اکرم (ص): تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعٌ لِأَصْحَابِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۴۹ و ۲۵۱ (قرآن را فرا گیرید که برآستی در روز رستاخیز برای اصحاب و پیروان خویش شافع است) امیر المؤمنین (ع): اِعْلَمُوا أَنَّهُ (أَي الْقُرْآن) شَافِعٌ وَمُشَفَّعٌ... وَإِنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱.